



عبدالاحمد فیض

افغانستان در معرض تجاوز عریان و پوشش شورای امنیت!

استفاده از قوه در مناسبات بین المللی در اسناد حقوقی غیر قابل انکار در نظام بین المللی ممنوع قرار گرفته است، احکام مندرج در ماده دوم منشور ملل متحد بکارگیری زور را منع نموده است، همچنان سند معتبر دیگری که تجاوز را با تمام اشکال آن ممنوع نموده است قطعنامه سال (۱۹۷۴) مجمع عمومی ملل متحد است که به قطعنامه تعریف تجاوز معروف است، لذا پراگراف اخیر ماده سوم قطعنامه با تفکیک تجاوز مستقیم علیه استقلال و حاکمیت ملی دولت ثالث، نوع دیگری از اقدامات عنصر تجاوز را توصیف نموده و آن عبارت از تجاوز با بکارگیری دستجات مسلح و مزدوران جنگی علیه حق حاکمیت دیگران است. بند پایانی ماده سوم چنین صراحت دارد:

« تسلیح، تجهیز و اعزام گروه های مسلح و مزدوران جنگی در برابر استقلال، حاکمیت و امنیت کشور دیگر، تجاوز بندها داشته میشود»

معیارها و پرنسپ های متعددی در نظام حقوقی بین المللی وجود دارد که استعمال قوه را با تمام اشکال آن منع نموده و تخطی از این اصول جنایت بین المللی خوانده شده است.

ماده دوم قطعنامه تعریف تجاوز با اهتمام بر احکام مواد (۳۹) - (۴۱) - (۴۲) منشور سازمان ملل متحد و با در نظر داشت اصل مسوولیت جهانی دولتها، شورای امنیت را مکلف و مسوول میداند که در صورت وقوع تجاوز مستقیم و یا تجاوز با استفاده از شبه نظامیان مزد بگیر و سایر اشکال رزمندگان غیر مشروع، چگونگی و ابعاد تجاوز را بیدرنگ مورد ارزیابی قرار داده و در مورد قطع تجاوز و میزان صدمات ناشی از آن نسبت به عنصر تجاوز بمثابه فکتور تهدید کننده امنیت جمعی موقوف اتخاذ نماید.

جهانیان وبخصوص شورای امنیت ملل متحد از سالیان متمادی ناظر وشاهدویرانگیری و قتل بی رویه مردم افغانستان ونقض فاجعانه حقوق بشری ساکنان این کشور بدستان جنایتکارانی است که در پیرامون این کشوردرس تباهکاری وانسان کشی به آنها داده شده وبه مقاصدهداف سیاست خارجی دستگاه های جاسوسی بیگانه تسلیح وبه کشورما تحت پوشش دین فرستاده شده اند، که درین فصل ازجنگ وخونریزی، اعزام دستجات مسلح خارجی درکشور با بهره گیری از فضای مساعد نظامی وسیاسی موجود ابعاده چند برابر کسب نموده است، که باتاسف شورای امنیت ملل متحد به استثنای صدوراعلامیه های گمراه کننده مبنی برابراز تأسف از توسعه بحران ونگرانی در قالب جملات در خصوص نقض حقوق بشری بوسیله گروه های تروریستی چندین ملیتی در قلمرو اینکشور، از اتخاذ موضع اصولی با استفاده از میکانیزمهای حقوقی علیه عاملان جنگ وتجاوزات مستمر در برابر افغانستان اجتناب نموده واین نهاد با اعتبار وحافظ صلح وامنیت جمعی خود به فکتوری بی اثرسازی هنجارهای جهانی مبدل شده است، مسلم است که وضعیت حقوقی، نظامی افغانستان از مصادق غیر قابل انکار تجاوز ومداخلات است که میبایست شورای امنیت در جهت قطع مداخله مداوم خارجی از قلمرو کشورهای همسایه وبخصوص پاکستان در پرتو احکام مواد ۴۱- ۴۲ میثاق ملل متحدتصمیم اتخاذ وبا اعمال فشار سیاسی، تعزیزات مؤثر وایجاد فضای تفاهم جمعی بسود افغانستان بمتابه قربانی تروریزم وتجاوزکارمینمود.

بنابراین تا زمانیکه عاملان خارجی جنگ تحت فشارین المللی مجبور به ترک سیاست مجراجویانه علیه افغانستان نگردد، نه صلحی بوجود خواهد آمد ونه ثبات درسطح منطقه که افغانستان بیدفاع بازنده اصلی کلیه بازیها وتعاملات غیرسازنده نخواهد بود، بلکه آتش بی ثباتی درسطح منطقه مشتعل خواهد شد.